

روز مبعث رسول الله (صلی الله علیه و آله)

<"xml encoding="UTF-8?">



داستان بعثت

ماجرای بعثت حضرت پیامبر، با نقل های متفاوتی روایت شده است. چه سخنی رساتر و شیرین تر از بیان امام هادی (علیه السلام) که می فرماید: «هنگامی که محمد (صلی الله علیه و آله) تجارت شام را ترک گفت، هر روز به کوه حرا می رفت و از فراز آن به آثار رحمت پروردگار می نگریست و از آن چه می دید، به یاد عظمت خدای آفریننده می افتاد و آن گاه با روشنی خاصی به عبادت خداوند مشغول می شد. چون به چهل سالگی رسید، خداوند، دل او را بهترین، روشن ترین و خاضع ترین دل ها یافت. در آن لحظه ها، جبرئیل به سوی او آمد و بازوی او را گرفت و تکان داد و گفت: بخوان. گفت: چه بخوانم؟ جبرئیل گفت: ای محمد! بخوان به نام پروردگارت که آفرید. پس جبرئیل، رسالت خود را به انجام رسانید و به آسمان ها بالا رفت و محمد نیز از کوه فرود آمد. در این هنگام، خداوند، کوه ها، صخره ها و سنگلاخ ها را به سخن آورد، به گونه ای که به هر کدام می رسید، ادای احترام می کردند و می گفتند: السلام علیک یا حبیب الله، السلام علیک یا ولی الله، السلام علیک یا رسول الله».

مهم ترین پیام بعثت

توحید، اصلی ترین و مهم ترین پیام بعثت است. فراگیری این اصل چنان گسترده است که اسلام به نام دین توحید شناخته می شود. در قرآن کریم، اصل توحید، ساختار کلی همه آیات است و نخستین پیام همه پیامبران پیشین نیز اصل توحید بوده است: «پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم، مگر آن که به وی وحی کردیم که معبودی جز من نیست، پس تنها مرا پرستش کنید».(انبیاء: 25)

از سوی دیگر، توحید فقط راه حلی برای بحران های دوران جاهلیت نبوده است. توحید، شعار محض نیست.

توحید؛ یعنی نفرت و دوری و نفی همه طاغوت ها. توحید؛ یعنی تکیه نکردن به هیچ قدرتی جز قدرت و عظمت الله. با این مفهوم، انسان قرن 21، بیش از هر زمان دیگر به این اصل حیاتی نیاز دارد. بشر امروز، با طاغوت ها و بت های درونی و بیرونی خود، از هر گونه پیشرفت و سعادت واقعی بازمانده است. توحید؛ یعنی نپذیرفتن هیچ گونه بی عدالتی. با این وصف، از شخصی ترین رفتار انسان تا قانون گذاری برای حکومت جهانی، جایگاه اجرای اصل توحید است. بدون توحید و مبارزه با قدرت های بیگانه، تمدن امروز نه تنها ارزشی ندارد، بلکه سرعت سقوط انسان را چند برابر خواهد کرد.

بعثت در کلام حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

«پروردگار بزرگ، به پایان همه کارها دانا بود و بر دگرگونی های روزگار در محیط بینا و به سرنوشت هر چیزی آشنا. محمد (صلی الله علیه و آله) را برانگیخت تا کار خود را به اتمام و آن چه را مقدر ساخته به انجام رساند. پیغمبر که درود خدا بر او باد، دید که هر فرقه ای دینی گزیده و هر گروه در روشنایی شعله ای خزیده و هر دسته به بتی نماز برده و همگان یاد خدایی را که می شناسند از خاطر سترده اند. پس خدای بزرگ تاریکی ها را به نور محمد روشن ساخت و دل ها را از تیرگی کفر بپرداخت و پرده هایی را که بر دیده ها افتاده بود، به یک سو انداخت.»

جهان قبل از بعثت در کلام امام علی (علیه السلام)

خداوند، پیامبر اسلام را هشدار دهنده جهانیان مبعوث فرمود تا امین وحی الهی باشد. آن گاه که شما ملت عرب، بدترین دین را داشتید و در بدترین خانه زندگی می کردید و میان غارها، سنگ های خشن و مارهای سمّی خطرناک و فاقد شنوایی، به سر می بردید. آب های آلوده می نوشیدید و غذاهای گلو آزار می خوردید. خون یکدیگر را می ریختید و پیوند خویشاوندی را می بریدید. بت ها میان شما پرستش می شد و مفسد و گناهان شما را فرا گرفته بود. خدا، پیامبر اسلام را زمانی فرستاد که مردم در فتنه ها گرفتار شده، رشته های دین پاره شده و ستون های ایمان و یقین ناپایدار بود. ... راه رهایی دشوار می نمود و پناه گاهی وجود نداشت. چراغ هدایت، بی نور شده و کوردلی همگان را فرا گرفته بود. خدای رحمان معصیت می شد و شیطان یاری می گردید. ملت ها در خواب عمیقی فرو خفته بودند. فتنه و فساد، جهان را فرا گرفته بود. اعمال زشت رواج یافته بود. آتش جنگ همه جا زبانه می کشید و دنیا، بی نور و پر از مکر و فریب گشته بود. هوا و هوس بر مردم چیره شده بود. ... نادانی های جاهلیت، پست و خوارشان کرده بود و در امور زندگی سرگردان بودند و بلای جهل و نادانی دامن گیرشان بود.

مولفه های جاهلیت در کلام امام علی (علیه السلام)

سال های طولانی بر مردم می گذشت که بر اثر دوری از مکتب پیامبران، در منجلا ب گمراهی و فساد غوطه ور بودند، نه امنیت جانی داشتند، نه امنیت مالی و ناموسی. سایه شوم جهل و تعصب همه جا را تاریک کرده بود. ظلم و بیداد گری و لجاجت و انواع جنایات هولناک، همه را به ستوه آورده بود؛ به گونه ای که به فرموده علی (علیه السلام): «میوه درخت جاهلیت فتنه و آشوب و غذای مردمش مردار گندیده، لباس زیرپنشان ترس و وحشت و لباس رویپنشان شمشیر بود. آب حیات انسانی در زمین فرو رفته بود و منارهای هدایت، کهنه و فرسوده شده و پرچم های گمراهی و تیره بختی آشکار گردیده بود»

هدف از بعثت در کلام امام علی (علیه السلام)

خداوند، حضرت محمد را به حق برانگیخت تا بندگان خود را از پرستش دروغین بت ها رهایی بخشد و به پرستش خود راهنمایی کند و آنان را از پیروی شیطان نجات دهد و به اطاعت خود کشاند. پس خداوند، رسولان خود را در میان مردم برانگیخت و پیامبرانش را پیایی به سوی آن ها فرستاد تا از مردم ادای عهد و پیمان فطرتی را که با پروردگارشان بسته بودند، بخواهند و نعمت فراموش شده او را به ایشان یادآوری کنند و با تبلیغ دلایل روشن، وظیفه رسالت را انجام دهند و نیروی عقل های مردم را که زیر غبار کفر و شرک و گمراهی پنهان شده بود، برانگیزانند و به کار اندازند و آیات بزرگ الهی را به ایشان بنمایانند. خدای سبحان برای وفای به وعده خود و کامل گردانیدن دوران نبوت، حضرت محمد را مبعوث کرد؛ پیامبری که از همه پیامبران، پیمان پذیرش نبوت او را گرفته بود. نشانه های او شهرت داشت. و تولدش بر همه مبارک بود.